



2020/10/20



محمد داؤد مومند

## التجای توضیحات و تنویر از جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم

امیدوارم از روی بزرگواری در مواردی که ذیلاً خدمت جناب شما، معروض میگردد، این ارادتمند تان را تنویر فرموده، منت گزارید.

سؤال اول- قرار معلوم تمام صحنه سازی های کودتای میوندوال و جنرال خان محمد خان و در نتیجه قتل میوندوال و اعدام پنج نفر به شمول خان محمد خان، پلان و نقشه کی. جی. بی و ایادی آن در سیمای گروه چپ کودتای بیست و شش سرطان بوده است.

بدیهی است که ایادی کرملن در داخل دولت داؤد خان به ریاست حسن چپ معروف به شرق، خواهان استقرار و استحکام یک رژیم ناسیونالیست و تحت رهبری یک شخصیت ناسیونالیست، مثل سردار داؤد خان نبودند. زیرا ایادی کرملن از نظر ایدئولوژی خط مسکو در قطب مخالف و تضاد کامل اندیشه ناسیونالیست قرار داشتند. ایادی کرملن دوام رهبری و موفقیت سردار داؤد خان را، در فرجامین سخن، تباهی حزب خود و اندیشه و ایدئولوژی خط مسکو میدانستند.

ایشان زعامت مؤقت سردار محمد داؤد خان را، به حیث یک فوتوی سر دیوار پذیرفته، و خود ها را مسئول، مؤلف و مجری پیشبرد مجاری کشوری در همه امور، اعم از سیاست داخلی و خارجی، مطابق به دساتیر دولت اتحاد شوروی میدانستند.

توظیف تورن جنرال خان محمد خان توسط سردار صاحب محمد داوود خان، در همان روز اول کودتا برای نظارت امور وزارت دفاع، ناقوس مرگ را در گوش های حسن شرق و ایادی کرملن به صدا در آورد، چیزی که کودتا چنان چپی و ایادی کرملن قبل از سهمگیری در کودتای سرطان از آن واهمه داشتند.

سردار صاحب محمد داؤد خان بحیث شخصیتی که تمام عمرش در حکومت داری و دولت داری تیر شده بود، باید از نیات و اهداف عناصر وابسته به کی- جی- بی، زیر چتر زعامت و قیادت خود مستشعر میبود، و به هیچ وجه من الوجوه به مشوره یا پیشنهاد ایشان اعتماد و کرنش نمیکرد، چه خاصه که گپ رسد به جبر و اکراه و فشار.

حساسیت شدید و عکس العمل منفی فوری ایادی کرملن در برابر توظیف جنرال خان محمد خان که از زمره نهال های دست نشانده سردار صاحب بود، در وزارت دفاع که مهمترین وزارت برای بقای یک رژیم شمرده میشود، ناشی و مبنی از همین ترس جانکاه ایادی کرملن از استحکام و تداوم رژیم داوود خان شمرده میشود و توظیف خان محمد خان را در قدم نخست، مغایر اهداف بنیادی خود تلقی نموده و از دست دادن اردو را به حیث شریان حیاتی بقاء و سیادت و موجودیت خود تشخیص میکردند.

برکناری جنرال خان محمد خان در همان روز اول، آبستن واقعات دلخراش و تأسف آوری بود که منجر به قتل میوندوال و اعدام چند نفر و حبس یک عده عناصری گردید که با اندیشه ایدئولوژی کرملن و منافع دولت شوروی در افغانستان در تضاد کامل قرار داشتند، نه تنها این فاجعه بزرگ موجب از بین رفتن یک عده رجال وطن دوست که سرمایه ملی مملکت قلمداد میشدند، گردید، بلکه موجب بد نامی رژیمی گردید که در رأس آن سردار محمد داؤد خان به حیث رهبر بی رقیب قرار داشت.

جناب شما به ارتباط سبکدوش ساختن خان محمد خان در همان روز اول کودتا در قسمت هفتم مضمون دنباله دار تان تحت عنوان « دست های مرموز.. » تحریر فرموده اید: «..چنانچه در دور کردن خان محمد مرستیال در همان روز اول کودتا از وزارت دفاع همین فشار اثر گذاشت و محمد داوود در روز اول قدرت زیر فشار جناح چپ کودتا «ایادی کی- جی- بی- مومند» مجبور شد تا خان محمد مرستیال را از آن وزارت فرا خواند»

شعار معروف دوره جمهوری سردار صاحب «تصمیم شرط اول موفقیت است» بود.

پس این چگونه فشاری بود، که سردار صاحب حتی یک روز به تصمیم خود پایدار نماند که در حقیقت این امر مغایر مقام و حیثیت معنوی و استخفاف عظمتی بود که ایشان به حیث یک رهبر قاطع و مصمم به آن شهرت داشتند چنانکه موصوف در مناقشه خود با رهبر شوروی به آن صحنه گذاشته مهیور ساختند، دفعتاً در برابر همچو فشار تاب نیاورده و تسلیم شدند؟

سؤال دوم: جناب تان در مورد دوسیه متهمین نگاشته اید: «دوسیه به محکمه نظامی یعنی دیوان حرب به ریاست دگر جنرال غلام فاروق و با عضویت یک تعداد دیگر که اکثر شان به کمیته مرکزی و جناح چپ کودتا بودند ارجاع شد.»

در نتیجه فیصله دیوان حرب، شش نفر محکوم به اعدام گردید، که نام اول در لست مذکور از مرحوم میوندوال بود که قبلاً مقتول و جسدش در خاک قرار داشت.

الف: رهبر با دیدن این لست احمقانه که نام یک میت را در آن شامل ساخته بودند، بر همچو حماقت دیوان حرب اظهار نظر نکردند؟

ب: رهبر که میدانستند و واقف بودند که اکثریت اعضاء دیوان حرب عناصر بی خدا، ملحد و نامسلمان بودند، چطور حاضر شدند که فیصله نهایی اعدام پنج نفر را بپذیرفته، چرا ایشان را به حبس مادام الحیات محکوم نساختند؟

ت: اعدام این ذوات چه منفعت سیاسی و معنوی برای رژیم سردار صاحب داوود خان و مردم افغانستان به ارمغان آورد؟

سؤال سوم: ملاقات جناب شما با رهبر، متصادف به روزی بود که عمال کی-جی-بی میوندوال مظلوم را به قتل رساندند و لذا وقت ملاقات شما سه ساعت به تعویق افتید.

در ملاقات بیست دقیقه ای، رهبر با شما به حیث یک شخصیت تعلیم یافته و نماینده قشر جوان منور در زمینه همچو واقعه تأسف آور بزرگ ملی یاد آوری و اظهار تأسف نمود و یا نه؟

معمولاً در همچو احوال از نظر روحی یک شخص درد رسیده، آرزومند صحبت و یا به اصطلاح درد دل کردن با شخص مخاطب و هم صحبت میباشد، اگر جناب رهبر که اضطراب و عدم آرامش روحی از وجناتش آشکار و هویدا بود، چنانکه ملاحظه همچو حالت به کمی وقت صحبت تان انجامید، اگر جنابشان در زمینه، عواطف آن حالت خود را با جناب شما شریک نساختند دلیل ترجیح خاموشی و سکوت شان در زمینه، از نظر جناب شما چگونه ارزیابی میگردد؟

سؤال چهارم: جناب رهبر داوود در بیانیه معروف خطاب به مردم، رژیم شاهی را صرف و تنهاد در دوره دهه قانون اساسی و نه قبل بر آن، متهم به مطلق العنانی، سیاست غیر عادلانه و ضد ملی، اعمال زور، ایجاد وحشت و زور گویی و خود سری و قانون جنگل توصیف فرمودند.

سردار صاحب نور احمد اعتمادی در دوره صدارت خود آرزومند محبوس ساختن میوندوال بود، که با ویتوی شاه مواجه گردید و قرار مسموع شاه در زمینه با لهجه درشت به اعتمادی هشدار داده بود.

سؤال درین جاست که در رژیم که به فرموده رهبر داوود خان یعنی دوره دهه دیمکراسی که قانون جنگل حکمفرما بود و با وجود تمام گفتارهای آتشین میوندوال در مخالفت با دولت و اشاره به مقام منبع سلطنت، میوندوال محبوس نگردید، چه رسد به قتل و کشتن او، چطور شد که مرحومی با وضع فجیعی تحت حکومت و سایه عدالت و به اصطلاح زیر ریش رهبر داوود، به فجیع ترین وجه ممکنه کشته شود و به قول یک تعداد عاشقان و عارفان رهبر داوود در دریچه افغان جرمن، به نتیجه اعمال خود برسد، عملی که در قانون جنگل دهه دیمکراسی محال بود ولی تحت زعامت رهبر داوود به سهولت و اسرع وقت، ممکن گردید؟

سؤال پنجم: درین شکی نیست که دست کی-جی-بی در قتل میوندوال مظلوم نقش اساسی داشت و این کار توسط گماشتگان متنفذ کی-جی-بی در رژیم رهبر داوود صورت پذیرفت، زیرا ایشان در بسر رساندن کودتای سرطان نقش تعیین کننده داشتند و در نتیجه موفقیت کودتا، صاحب نفوذ و قدرت گردیدند.

اینکه جناب شما میفرمائید: «بعضی ها میخواهند بار ملامت را بدوش محمد داؤد بیندازند»

آیا از نظر جناب شما، جناب رهبر داوود به حیث یک شخصیت و رهبر لامتنازع کشور در زمینه همچو فرو گذاشت، هیچگونه مسئولیتی بدوش نداشت؟

سؤال ششم: جناب شما نگاشته اید که: «قتل میوندوال موجب بر افروختگی محمد داؤد گردید»

هم چنان جناب شما مؤکداً تحریر داشته اید: «و وقتی این خبر یعنی قتل میوندوال به محمد داؤد رسید، موجب نا راحتی شدید او شد که این جانب در آن روز از نزدیک شاهد اوضاع غیر معمول و متشنج در ارگ بوده است..»

جناب تان مزیداً میفرمائید که: «محمد داؤد در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفت»

البته فرموده شما منطقی است که رهبر در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفت. اما فرو گذاشت رهبر به حیث یک رهبر و زعیم کشور و بخصوص یک مسلمان متعهد و عدالت پسند، آیا در ارتکاب همچو عمل از نظر جناب شما قابل اغماض و بخشایش است؟

هم چنان سؤال درین جاست که چرا رهبر داؤد بعد از قتل ظالمانه میوندوال هیئتی را تحت ریاست یک شخصیت مسلمان واقعی مانند وفی الله خان سمیعی که نگارنده این سطور سعادت معرفت و دوستی شان را داشتم، تعیین نکرد تا مجرمین و جنایتکاران قتل میوندوال مطابق شریعت اسلامی و احکام حقوق جزاء به جزای عمل جنایت کارانه و ضد ملی شان میرسیدند؟

سؤال هفتم: چرا رهبر داؤد به حیث پدر معنوی مردم افغانستان، خانم مرحوم میوندوال را به حضور نه پذیرفت و از آن بیوه مظلوم دلداری نکرد و معذرت نخواست؟

سؤال هشتم: جناب شما به دلیل اینکه میوندوال انتحار ننموده و در نتیجه یک پلان به قتل رسیده، او را شهید قلمداد میکنید، آیا از نظر جناب شما مرحوم خان محمد خان و ماما زرغون شاه و دیگران که در اسلامیت شان کوچکترین تردیدی وجود ندارد و ایشان مطابق فیصله دیوان حرب که اکثریت اعضاء آن ملحد و بی خدا بودند، به اعدام محکوم گردیدند، و داوود خان را در قسمت فیصله اعدام شان اغفال نمودند، شهید شناخته میشوند و یا نه؟

از توضیحات و تئویر تان در زمینه، قبلاً مراتب شکران و امتنان مرا بپذیرید.  
با عرض حرمت

